

مذاکره سنگالی‌ها با کارگردان فیلم «محمد رسول‌الله(ص)»



مدیران جشنواره سینمایی «تصویر و زندگی» سنگال مشغول رایزنی برای نمایش فیلم سینمایی «محمد رسول‌الله(ص)» در این جشنواره هستند. به گزارش «وطن امروز»، سیدحسن عصمتی، رایزن فرهنگی ایران در سنگال با مصطفی نیان، مدیر جشنواره سینمایی «تصویر و زندگی» سنگال دیدار و درباره همکاری سینمایی مشترک بین ۲ کشور و نیز نمایش فیلم سینمایی «محمد رسول‌الله(ص)» در این جشنواره گفت‌وگو کرد. مصطفی نیان در این دیدار با اشاره به جایگاه سینمای ایران در جهان، اظهار کرد: از حضور دستاوردهای سینمایی ایران بویژه سینمای دینی آن در هجدهمین دوره جشنواره «تصویر و زندگی» استقبال می‌کنیم. امضای تفاهنامه همکاری، تشکیل انجمن سینمایی ایران و سنگال و برگزاری هفته سینمایی مشترک ایران و سنگال از دیگر محورهای مورد بحث از این دیدار بود. بر پایه این خبر، مدیران جشنواره سینمایی «تصویر و زندگی» سنگال مذاکرات خود را با مجید مجیدی، کارگردان فیلم «محمد رسول‌الله(ص)» درباره خرید و نمایش این فیلم در سنگال که برای نخستین بار در قاره آفریقا انجام می‌شود، آغاز کرده‌اند.

کتاب

فراز و فرود زندگی پهلوی

در «سرگذشت دیکتاتور»

کتاب «سرگذشت دیکتاتور» که توسط موسسه فرهنگی - هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است در قالب دانستنی‌های انقلاب اسلامی برای جوانان با بیانی ساده و روان به فراز و فرود زندگی پهلوی اول می‌پردازد. به گزارش فارس، این کتاب در قالب ۴ فصل به بررسی تاریخچه زمامت و اقدامات رضا پهلوی پرداخته است. فصل اول کتاب به بررسی زندگی شخصی رضاخان از دوره تولد تا کودتای ۱۲۹۹ و شکل‌گیری رژیم پهلوی پرداخته است. در فصل دوم به عصر رضاخان پهلوی پرداخته شده که به ابعاد مختلف حکومت از جمله ارتش و نهادهای نظامی و سیاست‌های جاهطلبانه اقتصادی و جانیات ضددینی وی اشاره شده است. فصل سوم کتاب به بررسی دوران افول و سقوط سلطنت رضاخان پرداخته و عوامل داخلی و خارجی سقوط رضاخان را بررسی می‌کند. در فصل پایانی کتاب نیز به فرجام رژیم دیکتاتوری رضاخان و مرگ وی در جزیره مورس اشاره شده است.

رونمایی از ۲ کتاب تازه

در مرکز تبادل کتاب

ابین رونمایی ۲ کتاب نشر بعثت با عنوان‌های «تمای بی‌خزان» و «مثل عایس» روز یکشنبه ۷ مرداد (فردا) برگزار می‌شود. به گزارش «وطن امروز»، در این مراسم از ۲ کتاب «تمای بی‌خزان» (روایت‌های زهرا سلیمانی‌زاده از رزمندگان مدافع حرم، شهید مهدی حسینی) و «مثل عایس» (زندگی‌نامه داستانی شهید حمید حاج ملاحسین، از فرماندهان گردان حبیب بن مظاهر لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص)) با حضور نویسنده‌گان، خانواده‌های شهیدان و جمعی از علاقه‌مندان ادبیات پایداری رونمایی می‌شود. بر اساس این گزارش، این مراسم در مرکز تبادل کتاب تهران واقع در خیابان انقلاب، ابتدای خیابان برادران مظفر شمالی از ساعت ۱۶:۳۰ برگزار می‌شود.

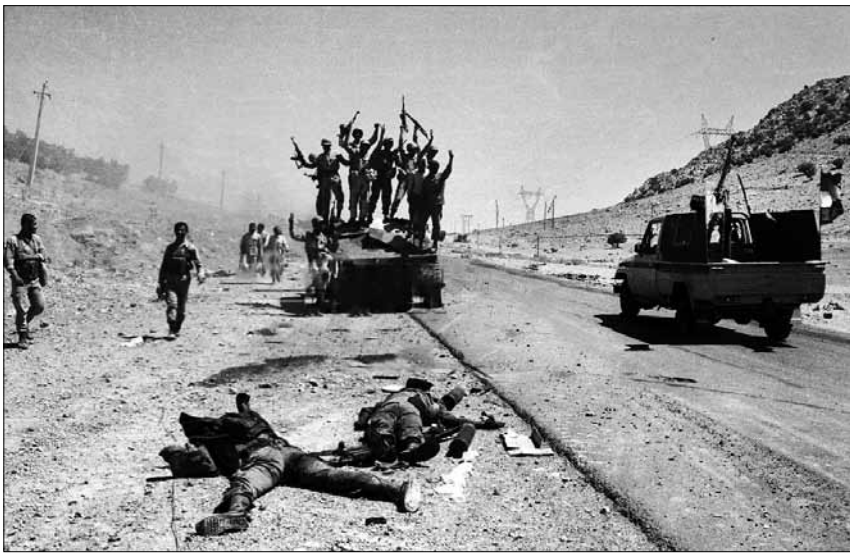
روایتی دیگر از «تنگه ابوقریب»

به بازار نشر می‌آید

مصطفی جمشیدی درباره رمان «رسته غمگساران» گفت: این رمان برگرفته از تجربه شخصی‌ام و به واسطه حضور در منطقه عملیاتی ابوقریب نوشته شده است. به گزارش فارس، مصطفی جمشیدی درباره تازه‌ترین اثر خود با عنوان «رسته غمگساران» گفت: داستان از زبان رزمندگان روایت می‌شود که به واسطه موج انفجار گذشته‌اش را از یاد برده است. رسته غمگساران زندگی ۳ بسیجی را در ابوقریب که با ارتش عراق درگیر می‌شوند، روایت می‌کند. این رمان سرگذشت رزمندگان است که از شمال کشور برای دفاع از وطن به مناطق جنوبی می‌آید و در نهایت به فیض شهادت هم نائل می‌شود. این مولف با بیان اینکه ژانر اثر دفاع‌مقدس بوده و به سیاق یکی از کتاب‌هایش به نام «روای آتی تاریخ» نوشته شده است، گفت: داستان این اثر نیز در شمال کشور اتفاق می‌افتد و بدین واسطه مانند «روای آتی تاریخ» است. این داستان در ۲۰۰ صفحه نوشته شده و قرار است از سوی انتشارات علمی و فرهنگی منتشر شود.

۴ روایت خواندنی از عملیات مرصاد که هنوز به چشم سینماگران ایرانی نیامده است

سینمای فقیر در بهشت سوژه‌ها



محسن شه‌میرزادی: ایران قطعه‌نامه ۵۹۸ را می‌پذیرد، اما ساعتی نمی‌گذرد که ارتش عراق به همراه منافقین از ۱۴ نقطه مرزی به کشور حمله می‌کنند و بی‌سابقه‌ترین حمله خود را در شرایطی ترتیب می‌دهند که نیروهای ایرانی به جهت آتش‌سوزی در حال بازگشت به شهرهایشان بودند. پیشروی منافقین در صبح روز حمله شاید از تمام پیشروی‌های ارتش عراق در طول این ۸ سال بیشتر بوده است؛ آنها به سرعت شهرهای مرزی را به تسخیر درآوردند و عزم تهران را کرده بودند. هواداران منافقین در کرمانشاه منتظر پیوستن به آنها بودند و عمدتاً به ظاهری مشابه رزمندگان اسلام درآمده بودند تا شناسایی آنها دشوار شود اما خیلی زود ورق برمی‌گردد و آنها با مقاومت شدید مردم و رزمندگان مواج می‌شوند و جمهوری اسلامی در «مرصاد» آنها را تار و مار می‌کند. اهمیت این عملیات از ابعاد گوناگون قابل شمارش نیست و روایت یک‌خطی هر کدام از این ابعاد، بار دراماتیک بسیار قابل توجهی را به همراه دارد اما کارنامه سینمای ایران در این باره «تقریباً هیچ» است؛ هر چند صحبت‌هایی از تولید «ماجرا نیم‌روز ۲» در ارتباط با موضوع عملیات مرصاد مطرح شده ولی هنوز موضوع این فیلم به شکل رسمی رسانه‌ای نشده است. دست‌های خالی سینما در مواجهه با این عملیات شگفت‌انگیز ما را بسر آن داشت در ۴ ژانر سینمایی، ۴ روایت از این عملیات را تنها به عنوان مشتتی نمونه خروار از سوژه‌های مرتبط با این عملیات که تاکنون بارها و بارها می‌توانستند تبدیل به یک اثر سینمایی شوند مطرح کنیم. سوژه‌هایی که توجه به آن بدون شک می‌توانست مسیر فعلی سینمای ایران را در جهت پرداختن به سوژه‌های اجتماعی سیاه و ناامیدکننده، تغییر دهد.

حاتی‌کیا در صف منافقین!

ابراهیم حاتی‌کیا از جمله فیلمبرداران روایت فتح بود که عملیات مرصاد را از دریچه دوربین به ثبت رساند اما خاطره این سینماگر از آن روزهای جنگ خود سوژه‌های سینمایی است که می‌تواند در ژانر «عممای» تبدیل به اثری درخشان شود. ابراهیم حاتی‌کیا درباره آن روز می‌نویسد: «آن روزها شهر اهواز تصویر خیلی عجیب‌وغریبی داشت. تصویر یک شهر مرده. درست عین فیلم‌های وسترن که اصلاً هیچ‌کس توی شهر نیست یا اگر هست به صورت گذراست. یا تک‌توک ماشین‌هایی که به‌سرعت می‌گذرند. وضعیت طوری بود که داشتن یک اسلحه از این اسلحه‌های قدیمی که باید تک‌تک فشنگش را عوض کنی، برای گروه خیلی جدی به نظر می‌آمد. من شاهد این شرایط در اول جنگ بودم؛ همین‌طور شاهد آخرین عملیات در جنگ ایران که می‌شد عملیات مرصاد. این دو دوره عجیب شبیه هم بود. یادم هست در مرصاد نفربر زرهی که باید نیروها را جابه‌جا کند، ژبان بود. پشت این ژبان‌های مهاری که وانت هستند، پر از نیروهای تفنگ به‌دست بود. من به‌عنوان فیلمبردار برای عملیات مرصاد رفته بودم. از طریق کرمانشاه که وارد شدیم، سر و وضع‌مان همان سر و وضع معمولی بوده؛ لباس‌های خاکی و کلاه‌های ششگوشی که بچه‌های بسیجی آن فضا داشتند. به شهر که وارد شدیم، رفت‌وآمدها یک‌جور خاصی بود، همه یک‌جور مشکوکی به هم نگاه می‌کردند. همان اول به ما گفتند: «لطفاً بروید ریش‌تان را بزنید و لباس‌های‌تان را هم عوض کنید». خب! ما مقاومت کردیم. فکر می‌کردیم برای چه باید اینجا ریش‌مان را بزنیم یا لباس‌مان را عوض کنیم! گفتند: «شهر آلوده است». معنایش این بود که الان منافقین داخل شهر شده‌اند و تیپ‌هایشان را شبیه ما

کرده‌اند و الان اینطوری قاطی ما هستند. عزیز می‌شوند و جمه‌وری اسلامی در «مرصاد» آنها را تار و مار می‌کند. اهمیت این عملیات از ابعاد گوناگون قابل شمارش نیست و روایت یک‌خطی هر کدام از این ابعاد، بار دراماتیک بسیار قابل توجهی را به همراه دارد اما کارنامه سینمای ایران در این باره «تقریباً هیچ» است؛ هر چند صحبت‌هایی از تولید «ماجرا نیم‌روز ۲» در ارتباط با موضوع عملیات مرصاد مطرح شده ولی هنوز موضوع این فیلم به شکل رسمی رسانه‌ای نشده است. دست‌های خالی سینما در مواجهه با این عملیات شگفت‌انگیز ما را بسر آن داشت در ۴ ژانر سینمایی، ۴ روایت از این عملیات را تنها به عنوان مشتتی نمونه خروار از سوژه‌های مرتبط با این عملیات که تاکنون بارها و بارها می‌توانستند تبدیل به یک اثر سینمایی شوند مطرح کنیم. سوژه‌هایی که توجه به آن بدون شک می‌توانست مسیر فعلی سینمای ایران را در جهت پرداختن به سوژه‌های اجتماعی سیاه و ناامیدکننده، تغییر دهد.

هیجان سقوط و ترس از مردم!

شهید صیاد شیرازی یکی از موثرترین افراد در ساعات اولیه دفاع از کشور، فرماندهی این عملیات را بر عهده داشت، او با هدایت نیروی هوایی ارتش خیلی زود منافقین را تار و مار کرد و تا رسیدن قوای زمینی آنها را در کرمانشاه زمینگیر کرد. روایت شهید صیاد شیرازی از اتفاق جالب و «کشن» سقوط بالگردهای ایرانی در این عملیات قابل توجه است. شهید صیاد آن روز را اینگونه شرح می‌دهد: «بعد از ۲۴ ساعت که ما حملات هوایی را علیه منافقین ادامه دادیم، دیدیم بخش زیادی از منافقین به سمت شیارها فرار می‌کردند، وقتی دنبال‌شان رفتیم دیدم



اینجا همه سبائور خوردند و خودشان را کشند. در این میان پیش می‌آمد که دخترها فرماندهی می‌کردند. از بی‌سی‌ها شنیده می‌شد: «زری، زری! من بگوشم». اوضاع برای آنها خراب بود. گفتیم، برویم دنباله اینها را ببندیم که فرار نکنند. ۲ فروند هلی کوپتر کبرا گیر آوردیم و یک هلی کوپتر ۲۱۴. از اسلام‌آباد رد می‌شدم، دیدیم یک واتنی با سرعت دارد می‌رود. حقیقتش دل‌مان نیامد این یکی از دست‌سازان در بود. به خلبان‌ها گفتم: «کبرا برای بزن، ترتیبش را بده. گفت: اطاعت می‌شه تا آدمم بچنیم، دیدم هلی کوپتر رفته بالای سرش، مثل اینکه می‌خواهد اینها را بگیرد، گفتم: «جلو نرو اگر بروی جلوی، می‌زنت». یک دفعه هلی کوپتر را زدند، دیدم هلی کوپتر رفت، خورد به زمین شخم‌زده. دود غلیظی مثل قارچ بلند شد؛ اشتباه کردم. خلبان‌ها را راضی کردم برویم بالای سرشان گفتم: «کبرا برای نجات‌شان داد یا خبر که هلی کوپتر بومی گفت توب من کار نمی‌کند. مجبور به ادامه شناسایی

چرا باید کار کرد شبکه‌های برون مرزی همچون «پرس‌تی‌وی» را جدی‌تر گرفت؟

جنگ رسانه‌ای در زمین جهانی



کنیم؛ یکی صدای مستقل رسانه‌های ما است که در تقابل و رقابت با دنیای غرب طرفداران و نگاه خاص خود را دارد و برای حفظ این رویکرد باید تلاش بیشتری شود. راهکار دوم مقوله‌ای است که در کنار برنامه‌های سیاسی نیازمند تداوم توجه و نگاه جدی‌تر از پیش است و آن تقویت کمی و کیفی برنامه‌های فرهنگی است. ما به دلیل داشتن سنت‌ها، پیشینه و سابقه فرهنگی و تاریخی، جغرافیای بی‌بدیل سرزمین‌مان، شخصیت‌های فرهنگساز بی‌نظیر و اماکن دینی و تاریخی می‌توانیم یک سرمایه‌گذاری فرهنگی برای شناساندن این فرهنگ و هویت ملی و تاریخی در سطوح بین‌المللی داشته باشیم که خود برگ برنده‌ای

پل جمع شدند و مشغول صحبت بودند. یک دوربین فیلمبرداری «وی‌اچ‌اس» که برای ضبط فیلم تبلیغاتی از این عملیات توسط منافقین به کار گرفته شده بود هم زیر پل افتاده و روشن مانده بود. این دوربین قسمتی از پا و صورت یکی از آنها را در کادر خود داشت و صدای صحبت‌شان را به وضوح ضبط کرده بود. آنها در این فیلم می‌گفتند: «مجاهدین ما را فریب دادند و ما فکر کردیم همه چیز برای تشکیل حکومت در ایران آماده است و ما را در این مهلکه انداخته است». افرادی که در این فیلم بودند از کشورهای اروپایی همچون اتریش و بلژیک آمده بودند و اصلاً آموزش نظامی ندیده بودند، چرا که منافقین فقط به نیروهایی که در عراق داشتند آموزش نظامی می‌دادند.»

ماشاءالله‌نزن!

در کوران جنگ همواره اتفاقاتی خشم و آتش را به خوردن تبدیل می‌کرده است، از این رو است که همواره بخشی از ادبیات دفاع‌مقدس به وجه طنز آن اختصاص پیدا کرده است. همان‌طوری که «خارجی‌ها!» هنوز به‌عنوان برجسته‌ترین کمدی دفاع‌مقدس شناخته می‌شود، آثار و سوژه‌های دیگری نیز می‌توانند در این ژانر ظاهر شوند. صفر گل، جانباز جنگ تحمیلی از اتفاقات جالبی در بوجوه مرصاد سخن می‌گوید: «ما چون تازه وارد منطقه شده بودیم اصلاً با منطقه آشنا نبودیم و نمی‌دانستیم چکار کنیم، چون جاده مسیر اسلام‌آباد و کرند غرب که به تیپ ۵۷ می‌رسید توسط منافقین بسته شده بود. از جاده فرعی و مال‌رو و به زحمتی خودمان را به قرازگاه تیپ ۵۷ کردیم، هر رساندیم، نیروهای موجود در آنجا همه ششوک شده بودند و اصلاً انتظار حمله و پیشروی دشمن تا اسلام‌آباد و گردن‌ه را نداشتند. در قرازگاه تعدادی از نیروهای ویژه اطلاعاتی منافقین توسط بچه‌های حفاظت و اطلاعات تیپ ۵۷ دستگیر شده بودند که از لحاظ لباس و قیافه بعضاً شبیه ما شده بودند و آدم از دیدن آنها با آن لباس‌ها گیج می‌شد. آنها می‌گفتند ما را اشتباه گرفته‌اید و منکر از ارتباط خود با منافقین بودند. یکی از آنها کارت آموزش و پرورش باختران را به همراه داشت و دیگری می‌گفت من کشاورزم و لباس کردی به تن داشت. دیگری می‌گفت من کارمند دولت هستم و به دنبال برادرم آمده‌ام. اعتراف نمی‌کردند جزو منافقین هستند و هرگز اطلاعاتی نمی‌دادند. یکی از پاسداران واحد اطلاعات و عملیات که تازه رسیده بود و دید اعتراف نمی‌کنند با استفاده از تجربه خودش دست به ابتکار جالبی زد و گفت شلوارتان را در بیاورید. آنها نیز بدنت امتناع می‌کردند. با فشار بچه‌ها، شلوارهایشان را درآوردند که با تعجب دیدیم همه آنها شلوارک‌های سفیدرنگ و یک مدل سازمانی یک‌جور دارند که داخل جیب زیپ‌دار هر کدام نیز قرص سبائور وجود داشت که فرصت استفاده از آن را نیافته و به اسارت درآمده بودند. در همان روز برای یکی از بچه‌های لشکر اتفاق جالبی افتاده بود. زمانی که ماشاءالله با‌زگیر (یکی از فرماندهان کنونی سپاه) با هم‌زمان دیگر برای حمله به ساختمان کارخانه آرد نزدیک سبک‌راه اسلام‌آباد می‌رود، در حین درگیری توسط یکی از منافقین که پلدختری بود شناخته می‌شود و قبل از اینکه همدیگر را هدف قرار دهند، منافق زن رو بپهره داد می‌زند که ماشاءالله تیراندازی نکن!

منم صبا، همسایه‌تان و این موضوع باعث تعجب با‌زگیر می‌شود. با‌زگیر و صبا قبلاً در شهر پلدختر همسایه بودند و کاملاً همدیگر را می‌شناختند؛ شوهر صبا بود در همین عمل‌یات کشته می‌شود و خودش هم اسیر.»

در این زمینه فعال باشد. پرس‌تی‌وی در نشان دادن مظلومیت مردمان کشورهایی چون یمن، فلسطین، سوریه و ... خوب عمل کرده است و بدون شک همین که خط خبری رسانه‌ای دنیا را بشکنیم و آن نگاه مرکزی در تولید خبر را دچار خدشه کنیم، باز هم تا حدودی به پیروزی بزرگی رسیده‌ایم و باید روی این موضوع مهم اثر نامیشی مستند، تاریخ رقابت و رساتر شود. مساله مهم این است که رفیقان، قدرتمند و دارای شبکه‌هایی پیچیده و همراه و تقویت‌کننده همدیگر هستند. با توجه به این موضوع پرس‌تی‌وی در بین این صدا‌های غالب در اقلیت است که باید با اتحاد و همکاری مشترک با دیگر کشورهایی که هم‌راستا با ما هستند این مشکل برطرف شود. نگاه به جامعه مدنی آزادی‌خواه صلح‌طلب ضدجنگ در دنیا و تقویت همکاری با آنها از یک‌سو و از سوی دیگر استفاده از نیروهای هنرمند و برنامه‌سازان خلاق داخل کشور و تعامل با آنان در تأثیرگذاری این شبکه بر مخاطبان موثر خواهد بود.

با «محرمانه خانوادگی» همسر خوب انتخاب کنید!



فصل اول برنامه تلویزیونی «محرمانه خانوادگی» با موضوع «چگونه همسر خود را انتخاب کنیم؟» روزهای فردا شبکه ۳ سیما پخش می‌شود. به گزارش «وطن امروز»، برنامه ۱۳ قسمتی «محرمانه خانوادگی» که یک برنامه ترکیبی با آیتم‌های متنوع است، روزهای فردا با موضوع ازدواج پخش می‌شود. فصل اول این برنامه به موضوع رازهای انتخاب همسر می‌پردازد و شامل موضوعاتی مانند سن مناسب ازدواج، شیوه خواستگاری، ازدواج فامیلی، ازدواج دانشجویی، ازدواج اینترنتی، ازدواج عاشقانه ... خواهد بود. «محرمانه خانوادگی» مجله‌ای تصویری است که سعی کرده با استفاده از فرم‌های نو و با لحنی نرم و با جاشنی رازآلود کردن هجوآمیز جزئیات زندگی به بررسی نکات ریز و کاربردی در موضوع ازدواج بپردازد. این برنامه به دنبال پیچیدن یک نسخه واحد برای همه مخاطبان نبوده و سعی سازندگان برنامه این بوده که نشان دهند برای هر موضوع مهم زندگی مثل انتخاب همسر نسخه‌های متعددی به عدد آمده‌ها وجود دارد. در برنامه «محرمانه خانوادگی» ضمن روایت تعدادی از این نسخه‌های شخصی، با استفاده از فرم‌های مختلف تلاش شده نکات کاربردی لازم به بیننده منتقل شود تا او هم بتواند نسخه شخصی خودش را برای انتخاب همسر پیدا کند. در همه قسمت‌های برنامه مرحوم حاجت‌الاسلام سیدمهدی طباطبایی و دکتر محمود گلزاری به عنوان کارشناسان مذهبی و مشاوران ازدواج به سوالات مجری‌های برنامه درباره موضوع آن قسمت پاسخ می‌دهند. برنامه «محرمانه خانوادگی» کاری است از خانه مستند انقلاب اسلامی که روزهای فردا ساعت ۱۹:۳۰ از شبکه ۳ سیما پخش می‌شود.

وضعیت کارگردان «کیف انگلیسی» پس از پیوند کید

سیدضیاءالدین دری که چندی پیش به دلیل عارضه کبدی در بیمارستان تهران بستری بود و سپس برای پیوند کبد به بیمارستان شیراز منتقل شده بود، عمل پیوند کبد را با موفقیت پشت سر گذاشت. به گزارش ایسنا، نوید دری - فرزند این کارگردان - با بیان اینکه پدرش در حال حاضر تحت مراقبت‌های ویژه پیوند اعضا است، گفت: عمل پیوند موفقیت‌آمیز بود اما مرحله بعدی که سخت‌تر از مراقبت‌ها و هماهنگی کبد و بدن ایشان است، حدود سه چهار هفته طول می‌کشد. نوید دری ضمن اعلام هوشیاری سیدضیاءالدین دری، در عین حال گفت: ایشان به دلیل اجتناب از درد تا ۷۲ ساعت به حالت خواب هستند تا این شرایط ایشان را اذیت نکند. از همه مردم می‌خواهیم که دست به دعا روند تا این پیوند با بدن هماهنگ شود. فرزند این کارگردان یادآور شد که ضیاءالدین دری باید حدود ۲ ماه در بیمارستان بستری باشد. آخرین پروژه سیدضیاءالدین دری، «کلاه پهلوی» است که سال‌های ۹۱ و ۹۲ از شبکه اول پخش شد و در حال حاضر هر شب از شبکه افق در حال بازپخش است. این کارگردان همچنین سررال تاریخی کیف انگلیسی را با بازی ایلا حاتمی و علی مصفا در کارنامه هنری‌اش دارد.

سینمای جهان

بعد از اوپاما، کلینتون هم

وارد هنر شد!

هیلاری کلینتون، کالین پاول و مادالین آلبرایت در فصل سوم مجموعه تلویزیونی «خاتم و وزیر» در نقش خودشان ظاهر می‌شوند. به گزارش فارس به نقل از مجله نیوزویک، هیلاری کلینتون، کالین پاول و مادالین آلبرایت در درام سیاسی «خاتم و وزیر» در نقش خودشان ظاهر می‌شوند. شبکه سی‌اس‌ای اعلام کرد که وزیران اسبق خارجه آمریکا هر کدام، نقش‌های خود در این سریال که ماه اکتبر (آبان) روی آنتن می‌رود، بازی خواهند کرد. در قسمتی از این سریال وزیر خارجه ای‌زبات مک‌کورد با بازی «کتا لئونی» رو به وزرای اسبق خارجه کرده و از آنها درخواست می‌کند که توضیح‌شان را درباره چگونه پاسخ دادن به یک وضعیت حساس ابراز کنند. پس از اعلام این خبر، آلبرایت که قبلاً در سال ۲۰۱۵ در فصل دوم این سریال بازی کرده بود، در تئویتر ابراز خوشحالی خود از دعوت مجدد و بازگشت به این فیلم را نشان داد. نخستین بخش این سریال سیاسی ۲۱ سپتامبر سال ۲۰۱۴ پخش شد. جالب اینکه مدتی پیش اعلام شده بود باراک اوپاما، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا که کلینتون در دوره او هدایت وزارت خارجه آمریکا را برعهده داشت نیز قصد دارد به دنیای سینما و فیلمسازی وارد شود.

